



سال نهم / بهار ۱۳۹۹

## مطالعه تطبیقی عوامل مؤثر بر اعتماد نهادی زنان ایران و ترکیه با تأکید بر زنان جامعه ایران

- میثم ماهدشت<sup>۱</sup>
- پروانه دانش<sup>۲</sup>
- مرتضی فرجیان<sup>۳</sup>
- وحید اسماعیلی<sup>۴</sup>

DOR: [20.1001.1.38552322.1399.9.34.6.0](https://doi.org/10.1001.1.38552322.1399.9.34.6.0)

### چکیده

تحقیق حاضر درصدد مطالعه عوامل تأثیرگذار بر اعتماد نهادی زنان کشورهای ایران و ترکیه اما با تأکید بر اعتماد نهادی زنان ایران است. جامعه ایران تاکنون شاهد فرازوفرودهای زیادی بوده و نقش و حضور زنان نیز به‌عنوان یک بخش از این جامعه متأثر از همین نوسانات بوده است. اهمیت اعتماد زمانی آشکار می‌شود که آن را از الزامات روابط انسانی بدانیم. زنان برای حضور در جامعه به سطحی از اعتماد از جمله نوع نهادی آن نیازمندند که در این تحقیق تلاش شده عوامل مؤثر بر این اعتماد در میان زنان ایران و ترکیه مورد مطالعه قرار گیرد. روش مطالعه در این کار از نوع تحلیل ثانویه هست. در تحقیق حاضر داده‌های مورداستفاده برای آزمون فرضیات تحقیق از مجموعه داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها (WVS) موج پیمایش سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ بهره گرفته شده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره اعتماد نهادی زنان در ترکیه نشان می‌دهد که از بین شش متغیر واردشده در مدل رگرسیونی، اثرات سه متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی، تحصیلات و احساس رضایت از زندگی بر اعتماد نهادی به لحاظ آماری معنادار بوده است. در این بین، متغیر تحصیلات با ضریب تأثیری معادل ۰/۱۳ نشان می‌دهد که با افزایش تحصیلات زنان، میزان اعتماد نهادی نیز در آنان افزایش یافته است. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره اعتماد نهادی زنان در ایران نشان می‌دهد که از بین شش متغیر واردشده در مدل رگرسیونی، اثرات چهار متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی، تحصیلات، سن و احساس رضایت از زندگی بر اعتماد نهادی به لحاظ آماری معنادار بوده است. با مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد بنا، متغیر تحصیلات با ضریب تأثیری معادل ۰/۳۱ حاکی از آن است که با افزایش تحصیلات زنان، میزان اعتماد نهادی نیز افزایش یافته است. شباهت در نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده وجود اشتراکات فرهنگی فراوان در میزان اعتماد نهادی میان زنان در دو کشور ایران و ترکیه است.

**واژگان کلیدی:** اعتماد نهادی، اعتماد اجتماعی، رضایت از زندگی، برابری جنسیتی، سرمایه اجتماعی

۱ دانشجوی دکتری؛ meisam\_mahidashti@yahoo.com

۲ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور ایران، تهران؛ P\_danesh@pnu.ac.ir

۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد پارس‌آباد مغان، دانشگاه آزاد اسلامی، پارس‌آباد مغان، ایران؛

farajian58@gmail.com

۴ گروه علوم اجتماعی مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور؛ v.esmaili1987@yahoo.com

### مقدمه و بیان مسئله تحقیق

اعتماد در روابط اجتماعی نقش کلیدی دارد و تسهیل‌کننده ارتباطات انسانی است. اعتماد نتیجه برهم‌کنش روابط اجتماعی نیز هست و همچنین با بسیاری از مؤلفه‌های جامعه همبستگی دارد. اعتماد را می‌توان به اقسام اعتماد میان فردی و اعتماد نهادی دسته‌بندی کرد. اعتماد از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی است که در توسعه جامعه نقش شایانی دارد. و حتی به باور اینگلههارت سرمایه اجتماعی همان اعتماد است (رز، ۲۰۰۶: ۷۸). اعتماد تسهیل‌کننده تعاملات در فضای اجتماعی است و هزینه‌ها را در تعاملات کاهش می‌دهد. و نیز مقوم حیات بشری است.

گرایش به بررسی اعتماد اجتماعی به‌منزله یک مسئله اساسی به‌صورت خارق‌العاده‌ای در حال افزایش تدریجی است و بخصوص در اکثر دانشگاه‌های دنیا، در رشته‌های چون جامعه‌شناسی، سیاست، اقتصاد، روانشناسی، تاریخ، فلسفه، مدیریت، مطالعات سازمانی و انسان‌شناسی، این روند قابل‌مشاهده است (دالهی، ۲۰۰۳: ۳). نیکلاس لومان نظریه‌پرداز حوزه اعتماد از زاویه کنترل و پیش‌بینی کنش اجتماعی نگاه کارکردی به اعتماد دارد به‌ویژه در شرایط جامعه مدرن که توأم با پیچیدگی و ریسک یا خطرپذیری است، در این شرایط اعتماد نقش مهمی در تعیین و حفظ نظم اجتماعی بازی می‌کند (میسزتال، ۱۹۹۶: ۷۳) گفته می‌شود که اعتماد اجتماعی حتی بر روی رشد شتابان اقتصادی، افزایش بازده رونق اقتصادی، فراهم کردن سود عمومی، ایجاد همبستگی اجتماعی و همکاری، هماهنگی، رضایت از زندگی، ثبات دموکراسی و توسعه و حتی تندرستی و افزایش امید به زندگی اثرگذار است (نیوتن، ۲۰۰۲: ۳).

رویکردهای مختلفی به اعتماد وجود دارد که نیوتن و دالهی آن‌ها را به‌طور کلی در دو گروه فردی و اجتماعی طبقه‌بندی کرده‌اند. رویکرد فردی شامل تمام نظریه‌هایی است که اعتماد را از بعد روانشناسی و روانشناسی اجتماعی موردتوجه قرار می‌دهند. در این رویکرد اعتماد محصول عوامل فردی و روان‌شناختی چون تجارب دوران کودکی و ویژگی‌های روحی و تجارب زندگی روزمره محسوب می‌شود. اما در رویکرد اجتماعی اعتماد محصول عواملی چون؛ مشارکت مدنی، محیط اجتماعی و میزان گستردگی جامعه انسانی به‌حساب می‌آید. باین‌حال امروزه اغلب نظریه‌پردازان این حوزه سعی دارند تا تلفیقی از این دو رویکرد را در بررسی اعتماد به‌کارگیرند.

بدون شک شکوفایی علمی و اقتصادی عامل موثری در پویایی و توسعه همه‌جانبه جامعه است و از آنجاکه زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، لذا می‌توانند نقش مؤثری در شکوفایی علمی و اقتصادی آن داشته باشند. جامعه ایران یک جامعه اسلامی در حال گذار است و حضور زنان می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در این روند گذار داشته باشد. اعتماد شاخصی از سرمایه اجتماعی است که تبادلات اجتماعی را تسهیل کرده و عنصری ضروری و حیاتی در زندگی روزمره به شمار می‌آید. اهمیت اعتماد زمانی آشکار می‌شود که آن را از الزامات روابط انسانی بدانیم. زنان برای حضور در جامعه به سطحی از اعتماد از جمله نوع نهادی آن نیازمندند که در این تحقیق تلاش شده عوامل مؤثر بر این اعتماد در میان زنان ایران و ترکیه مورد مطالعه قرار گیرد. تحقیق حاضر با رویکرد اجتماعی، اعتماد را به سه نوع میان فردی، عام و نهادی تفکیک نموده و در اینجا نوع اعتماد نهادی مخصوصاً برای زنان مورد توجه قرار گرفته است. اعتماد نهادی متوجه نهادها و سازمان‌های رسمی یا غیررسمی و به‌طور کلی ساختارهای غیرشخصی است.

در تحقیق حاضر اعتماد نهادی زنان به‌عنوان متغیری وابسته در رابطه با عوامل متعدد اجتماعی که در پیمایش جهانی اینگلهارت مطرح شده است از جمله متغیرهایی چون سن، طبقه اجتماعی، درآمد، تحصیلات، رضایت از زندگی، اعتقاد به برابری جنسیتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بنابراین سؤالات اساسی که می‌تواند در این زمینه مطرح باشد این است که میزان اعتماد نهادی زنان در ایران و ترکیه چقدر هست؟ کدام عوامل اجتماعی می‌توانند بیشترین تأثیر را بر میزان اعتماد نهادی زنان داشته باشند؟

### پیشینه پژوهش

در حوزه اعتماد کارهای فراوانی صورت گرفته که خود مؤید توجه متفکران حوزه‌های مختلف به این مفهوم است. در زمینه اعتماد نهادی نیز در ایران کارهایی انجام شده که به‌عنوان نمونه می‌توان به کار سید مهدی الوانی و سید صمد حسینی اشاره نمود. عنوان کار آن‌ها تأملی بر مبانی نظری، مفاهیم و مدل‌های اعتماد نهادی (سازمانی) است. و همان‌گونه که از نام آن پیداست به مطالعه نظری اعتماد در سازمان‌ها پرداخته شده است. در این کار نویسندگان ذکر می‌نمایند که، به فراخور موضوع، جهت ارتقای احساس اعتماد مخاطبان به سازمان که سرمایه اساسی است بایستی به مقوله اعتمادسازی و ارتقای آن توجه کرد و این نیز جز با توجه به

بررسی جامع عوامل مرتبط با آن میسر نیست. بنابراین در این مقاله با بهره‌گیری از روش کیفی شیوه مطالعه اسنادی و بررسی ادبیات و پیشینه موضوع، مؤلفه‌ها و ابعاد اعتماد سازمانی با توجه به جامعه ایران تدوین و ارائه گردیده است.

نمونه کار دیگر از مجید موحد، روح‌الله مظفری و سمانه علیزاده است که با عنوان مطالعه سرمایه فرهنگی با اعتماد نهادی به مطالعه ارتباط سرمایه فرهنگی با اعتماد به نهادها و سازمان‌ها پرداخته‌اند. روش این تحقیق کمی و از تکنیک پیمایش استفاده شده است. حجم نمونه در این پژوهش شامل ۳۸۴ نفر از جوانان ۱۴ تا ۲۹ سال شهر شیراز است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. محققان با توجه به رسانه‌ها در این کار به این نتیجه رسیده‌اند که نقش تلویزیون در افزایش و نقش ماهواره در کاهش میزان اعتماد به نهادها و سازمان‌ها بسیار مؤثر است. از یک طرف تلویزیون باید با اطلاع رسانی مناسب، افراد جامعه را نسبت به عملکرد نهادها و سازمان‌ها آگاه‌تر کند و از طرف دیگر با فراهم کردن فضایی باز و شفاف زمینه را برای نقد سازنده فراهم کند، که این امر خود می‌تواند به کارایی بهتر آن‌ها منجر شود و در نتیجه مشارکت اجتماعی و اعتماد نهادی نیز افزایش یابد.

همچنین کار دیگری توسط منصور وثوقی و هاشم آرام با عنوان بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال (استان اردبیل) انجام شده است. متغیر وابسته در این تحقیق اعتماد اجتماعی است که با ابعاد اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی با معرف‌های میزان صمیمیت و اطمینان موردسنجش قرار گرفته است. متغیرهای مستقل در این تحقیق عبارت‌اند از احساس امنیت، رضایت از زندگی، ارزش‌های مشترک، پایگاه اقتصادی اجتماعی، سن و جنسیت. نتایج تحقیق، حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای سن، احساس امنیت، رضایت از زندگی، ارزش‌های مشترک با میزان اعتماد اجتماعی است. بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود نداشت و نیز تفاوت معنی‌داری نیز در بین دو گروه جنسیت زنان و مردان با میزان اعتماد اجتماعی وجود نداشت.

### مبانی نظری تحقیق

اعتماد ترجمه واژه انگلیسی «Trust» است. «اونا مونو» ریشه یونانی واژه اعتماد را فعل «Pistis» عنوان کرده که معادل واژه «Faith» است. وی این دو واژه را مترادف یکدیگر تعریف کرده و می‌نویسد، در ریشه این دو کلمه، مفهوم وثوق، اعتماد و تسلیم در برابر اراده دیگری و

اطمینان به شخص دیگر مستتر است (اونامونو، ۱۳۷۰:۲۴۷). در زبان فارسی، آن گونه که در فرهنگ معین آمده اعتماد مترادف است با تکیه کردن، وا گذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد (معین، ج ۱، ۱۳۷۵:۳۰۲). فرهنگ عمید نیز، مترادف‌های مشابهی برای اعتماد عنوان کرده است. نظیر تکیه کردن، وا گذاشتن کار به کسی، آهنگ کردن، با این تفاوت که برای «اطمینان» مترادف‌های جداگانه‌ای آورده است، بطوریکه اطمینان مترادف با آرام گرفتن، آسایش خاطر داشتن و خاطر جمعی است (عمید، ۱۳۷۴:۷۸۶).

در بررسی ادبیات جامعه‌شناختی مفهوم اعتماد به سه رهیافت فکری جامع دست می‌یابیم نخست این که اعتماد به منزله ویژگی فردی افراد است، دومین رهیافت این که اعتماد به منزله عامل در ارتباطات اجتماعی و نهایتاً هم اعتماد به عنوان ویژگی نظام اجتماعی با تأکید بر رفتار مبتنی بر تعاملات و سوگیری‌ها در سطح فردی، مفهوم‌سازی شده است (میسرتال، ۱۹۹۹: ۱۹). مطابق نخستین دیدگاه اعتماد به منزله یک ویژگی فردی و شخصیتی است. در این برداشت که با رویکردی روان‌شناختی اجتماعی همراه است، اعتماد، یک تلفیق مفهومی است که در ارتباط بسیار نزدیک با مفاهیمی مانند وفاداری، دگرخواهی، صداقت و نوع دوستی قرار می‌گیرد. این رهیافت، یک پارادایم شخصیتی درباره اعتماد، مطرح کرده و به زمینه اجتماعی آن توجه زیادی ندارد (اریکسون، ۱۹۵۰: آلپورت ۱۹۶۱، کاتل ۱۹۶۵، رزنبرگ ۱۹۵۶).

در دومین رهیافت، اعتماد بیشتر در جایگاه یک ویژگی اجتماعی تلقی می‌شود و بنابراین در کالبد نهادی جامعه عملی می‌گردد و بیشتر جنبه جامعه‌شناختی پیدا می‌کند. اعتماد، در این دیدگاه، در جایگاه یک امر اجتماعی تلقی می‌شود که برای دستیابی به اهداف سازمانی استفاده می‌شود (نیوتن، ۲۰۰۲: ۲۷).

رهیافت سوم، با رویکردی تأکیدی به مشخصات اجتماعی، در نقطه مقابل رهیافت روانشناسان و فردگرایانه قرار می‌گیرد. طبق این دیدگاه، اعتماد، بیشتر از آن که وابسته به ویژگی‌های درونی افراد باشد، در جایگاه یک نفع جمعی با ارزش تلقی می‌شود که به وسیله تعاملات اعضاء در جامعه پی‌گیری می‌شود. اعتماد متقابل، ریشه در وابستگی عاطفی دارد که خود، از طریق رابطه اجتماعی با دیگران و عضویت در اجتماعات حاصل می‌گردد. رابطه اجتماعی از یک طرف، وابستگی عاطفی تولید می‌کند و از طرف دیگر وابستگی ایجاد شده حافظ این رابطه می‌گردد (امیر کافی، ۱۳۸۰: ۴) مطابق این دیدگاه اعتماد به منزله یک مفهوم جامعه‌شناختی و باهدف تحلیل آن در سطوح سیستمی و روابط بین شخصی، مفهوم‌سازی

می‌گردد و بنابراین اعتماد، به‌منزله یک مکانیسم اجتماعی، تعاملات اجتماعی انسان‌ها را به‌وسیله انگیزه‌ها، احساسات و باورهای آنان بررسی می‌کند (میسزئال، ۱۹۹۶: ۱۵).

### نظریه پیوتر زتومپکا

«اعتماد یک تئوری اجتماعی» عنوان کتابی است که زتومپکا در آن به بحث و بررسی در رابطه با اعتماد پرداخته است. رویکرد زتومپکا به اعتماد در این کتاب همان‌گونه که از عنوان آن برمی‌آید رویکردی اجتماعی است. زتومپکا اعتماد را نوعی شرط‌بندی تعریف می‌کند که برکنش دیگران در آینده مبتنی است (زتومکا، ۱۹۹۹: ۲۵).

او با طرح پیچیدگی‌ها و فقدان تعیین و پیش‌بینی‌ها در جامعه مدرن برای اعتماد نقش کارکردی تعریف کرده است. وی با اشاره به اهمیت «کنترل و پیش‌بینی» کنش دیگران در زندگی روزمره استدلال می‌کند که اعتماد در موقعیت‌هایی معنی پیدا می‌کند که امکان کنترل و پیش‌بینی کنش دیگران در آن‌ها به‌طور کامل ممکن نیست. این کنترل و پیش‌بینی متوجه افرادی است که در زندگی روزمره با آن‌ها مواجه می‌شویم. زتومپکا این مواجهه را به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم از یکدیگر متمایز کرده است. موقعیت‌های مستقیم مانند روابط رودرو و غیرمستقیم مثل اعتماد به خلبان در یک مسافرت هوایی. اگر نتوانیم کنش دیگران را کنترل و یا پیش‌بینی کنیم، دست به دامن اعتماد می‌شویم. وی ادعا نمی‌کند که با اعتماد دیگر مسئله کنترل و پیش‌بینی مرتفع می‌شود بلکه معتقد است که اعتماد از شدت اضطراب کنش‌های پیش‌بینی‌نشده دیگران می‌کاهد بطوریکه افراد در حضور اعتماد، می‌پذیرند که دیگران آن‌گونه عمل خواهند کرد که ما انتظارش را داریم (زتومکا، ۱۹۹۹: ۲۳-۱۹).

زتومپکا از دو محرک مرکزی و متنی نام‌برده و در مقایسه با محرک‌های مرکزی که به‌طور اختصاصی با توجه به تجارب شخصی در افراد نهادینه شده‌اند، محرک‌های متنی را حاصل نهادینه شدن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در افراد دانسته و از آن به‌عنوان «فرهنگ اعتماد» نام‌برده است.

فرهنگ اعتماد شامل سیستمی از قواعد، هنجارها و ارزش‌هاست که اعتماد را شکل می‌دهند، حفظ می‌کنند و آن را مبادله می‌کنند. به‌طور کلی فرهنگ اعتماد قواعد مربوط به اعتماد و قابلیت اعتماد است (زتومپکا، ۱۹۹۹: ۹۹). شکل‌گیری فرهنگ اعتماد روندی تاریخی دارد. تکرار نتایج مثبت اعتماد در حوزه‌های مختلف زندگی، «قواعد عمومی» برای اعتماد را شکل می‌دهند که

حاصل آن فرهنگ اعتماد است فرهنگی که انتظاراتها و پیش‌بینی‌ها را تعریف کرده و از آنها حمایت می‌کند. زتومپکا اگرچه برای بررسی امیال ذهنی و درونی اعتماد رویکرد فرویدی را پیشنهاد می‌کند، فرهنگ اعتماد را با نگاه دور‌کیمی توضیح می‌دهد، اعتماد محصول الزاماتی است که جامعه تحمیل می‌کند، همان نقشی که واقعیت‌های اجتماعی در اندیشه دور‌کیم بازی می‌کنند. در رویکرد اجتماعی، اعتماد فراتر از روابط و اشخاص در نظر گرفته می‌شود و در کلیتی اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد به این ترتیب که در بطن جامعه قواعدی وجود دارند که اعتماد را الزامی می‌کنند، قواعدی که به وسیله اجتماع شکل گرفته‌اند و به صورت بیرونی و اکتسابی توسط هر یک از افراد درک می‌شوند. قواعدی که فشار الزام‌آور قابل توجهی بر روی کنشگران واقعی جهت اعتماد کردن و یا بی‌اعتمادی اعمال می‌کنند به صورتی که نقش‌های اجتماعی در قالب یک سری ارزش‌ها و هنجارها تعریف می‌شوند، همین قواعد فرهنگی قابلیت اعتماد به افراد و نهادهای مختلف را تعیین می‌کنند (زتومپکا، ۱۹۹۹: ۶۷-۶۶).

### رابرت پوتنام

رابرت پوتنام به واسطه انتشار دو کتاب به نام‌های «کاربرد دموکراسی و سنت‌های مدنی ایتالیا» (۱۹۹۳) محصول پژوهشی پیرامون جامعه مدنی در مناطقی از ایتالیا و «بولینگ انفرادی» (۱۹۹۵) محصول پژوهشی پیرامون افول جامعه مدنی در آمریکا، به چهره شناخته شده‌ای در مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی تبدیل شد. بحث پوتنام در رابطه با اعتماد اجتماعی نیز در چارچوب سرمایه اجتماعی انجام گرفته است. پوتنام در تعریف سرمایه اجتماعی می‌نویسد «سرمایه اجتماعی متوجه روابط بین افراد، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای مبادله و قابلیت اعتماد بین آنهاست» (پوتنام، ۲۰۰۰: ۱۹). به نظر پوتنام سرمایه اجتماعی در گروه‌های مدنی، دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و خویشاوند، هنجار عمل متقابل و اعتماد نهفته است. به زعم پوتنام سرمایه اجتماعی کنشی جمعی نیست بلکه هنجار و ضمانت‌های اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌های اجتماعی است که مشکلات غیرقابل حل کنش اجتماعی را حل می‌کند.

پوتنام برای توضیح بهتر سرمایه اجتماعی تمایز مهمی بین دو گروه متصل و همبسته قائل شده است. گروه‌های متصل، گروه‌هایی هستند که اعضای آنها تشابه کمتری با یکدیگر دارند.

به این معنی که نژادهای مختلفی از افراد در کنار یکدیگر فعالیت می‌کنند. برای مثال یک تیم ورزشی که اعضای آن ملیت و نژاد مختلفی دارند.

گروه‌های همبسته، دارای همبستگی شدیدی بین اعضای خود هستند، آن‌ها اشتراکات قابل توجهی در زمینهٔ فکر و باورها دارند. سرمایه اجتماعی اتصالی به شبکه‌های اجتماعی برمی‌گردد که افراد با ویژگی‌های متفاوت در آن جمع می‌شوند و سرمایه اجتماعی همبسته، شامل شبکه‌هایی است که اعضای آن مشابه یکدیگرند، اهمیت این تمایز به این امر برمی‌گردد که گروه‌های اتصالی اثرات مثبت بیشتری از گروه‌های همبسته دارند (سرمایه اجتماعی مؤثر مورد نظر پوتنام نیز همان سرمایه اجتماعی اتصالی است) (پوتنام، ۲۰۰۰: ۴). به دلایل مختلف زندگی در جامعه‌ای که از نعمت انباشت سرمایه اجتماعی برخوردار است راحت‌تر خواهد بود و تنگناهای عمل جمعی در زمینهٔ گوناگون بسیار ساده‌تر حل خواهد شد. در مذاکرات طرف‌های اقتصادی و سیاسی میل به فرصت‌طلبی منفی کاهش پیدا می‌کند. خود افراد از من به ما توسعه‌یافته و ذائقه‌ها برای رشد منافع جمعی تقویت می‌شود و ده‌ها اثر مفید دیگر (Putnam, 1998:74).

ویژگی‌های اجتماعی که پوتنام از آن‌ها به‌عنوان عوامل مؤثر بر میزان اعتماد یاد می‌کند، شامل حجم، وسعت کمی جوامع و میزان توسعه نهادها و شبکه‌های مدنی در آن‌ها است. پوتنام خود در رابطه با تأثیر روابط اجتماعی در اشکال رسمی و غیررسمی‌اش بر روی میزان اعتماد افراد می‌نویسد «این واقعیتی صحیح است که اعضای انجمن‌ها از افراد مشابه خود که عضو هیچ انجمن یا سازمانی نیستند، مشارکت سیاسی بالاتری دارند. زمان بیشتری را با همسایه‌های خودسرمی‌کنند و از اعتماد بالایی برخوردار هستند (پوتنام، ۲۰۰۰: ۷۳).

### آنتونی گیدنز

اعتماد اجتماعی برای گیدنز در جامعه مدرن مسئله می‌شود، تحول از جامعه سنتی به مدرن فضای اجتماعی متفاوتی را پیش روی انسان مدرن قرار می‌دهد. این فضا واجد یکی سری ویژگی‌هایی است که گیدنز بر مبنای آن‌ها جایگاه و نقش اعتماد را در جامعه مدرن توصیف می‌کند. این توصیف به شکل مفصلی در دو کتاب «پیامدهای مدرنیت» و «تجدد و تشخص» آمده است. گیدنز اهمیت اعتماد را در جریان تغییر و تحولات جوامع از شکل سنتی به مدرن دنبال می‌کند و برای اعتماد نقش و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در مرادوات زندگی مدرن تعریف



می‌کند. کار گیدنز در رابطه با اعتماد توضیح شرایط و ویژگی‌های آن در دو جامعه مدرن و سنتی است. در جامعه مدرن کیفیت روابط اجتماعی دستخوش تغییر و تحول شده است. مهم‌ترین این تغییرات که با اعتماد اجتماعی رابطه نزدیکی دارد گسترش و یا توسعه دامنه روابط اجتماعی از محدوده قومی و خویشاوندی است. گیدنز با استفاده از نظریه زیمل این مسئله را با تغییر مفهوم «غریبه» از جامعه سنتی به جامعه مدرن توضیح می‌دهد. معنای اصطلاح مدرن با فرارسیدن مدرنیت دگرگون می‌شود. در فرهنگ‌های پیش از مدرن که اجتماعی محلی همیشه مبنای سازمان اجتماعی گسترده‌تر بود، غریبه به یک شخص به معنای کامل آن اطلاق می‌شود، کسی که از خارج می‌آید و بالقوه مظنون است. شخصی که از جای دیگر وارد یک اجتماع کوچک می‌شود، ممکن است از بسیاری جهات نتواند اعتماد بومیان را به دست آورد، حتی اگر چندین سال در آن اجتماعی زندگی کرده باشد. اما برعکس در جوامع مدرن ما با بیگانگان به‌عنوان اشخاص به معنای کامل آن اساساً همکنشی نداریم. به‌ویژه در بسیاری از محیط‌های شهری، ما به‌گونه‌ای کم‌وبیش دائمی با دیگرانی همکنش داریم که یا خوب نمی‌شناسیم و یا هرگز آن‌ها را ندیده‌ایم و این هم‌کنش به‌صورت تماس‌های به نسبت گذرا انجام می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۶).

گیدنز اعتماد در جامعه مدرن را در سطح دیگر با تأکید بر ویژگی‌های مدرنیته تشریح کرده است. سطحی که در آن اعتماد نه به افراد بلکه به نظام‌های انتزاعی است، نه در روابط مبتنی بر پایبندی‌های چهره‌ای بلکه اغلب در روابط مبتنی بر پایبندی‌های بی‌چهره، اعتمادی که از آن تحت عنوان اعتماد به نظام‌های انتزاعی یاد می‌کند. نظام‌های انتزاعی از ویژگی‌های بارز جامعه مدرن به شمار می‌روند. وی در توضیح اعتماد به نظام‌های انتزاعی می‌نویسد «بخش بنیادی برهان من این است که ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی است» این جمله، گیدنز، به دو نکته اساسی در بحث او برمی‌گردد:

۱- اهمیت و ضرورت اعتماد به نهادهای مدرن

۲- اهمیت نظام‌های تخصصی در بین نظام‌های انتزاعی جامعه مدرن.

گیدنز معتقد است که نظام‌های تخصصی، در جامعه مدرن نفوذ گسترده‌ای دارند و انسان‌ها همواره در زندگی خود ناگزیر از اتکا به این نظام‌ها می‌باشند. اتکایی که توأم با خطرپذیری است.

درواقع جامعه مدرن، شبکه‌ای به هم پیوسته از این نظام‌های تخصصی را شامل می‌شود. پزشکان، معماران، وکلا، مهندسان، ساختمان، الکترونیک، از طراحان فضای سبز شهری گرفته تا لباس و ... جامعه مدرن همواره با اتکا به این نهادها زندگی را پیش می‌برد. این اتکا کردن، در حالی صورت می‌گیرد که همواره احتمال خطر وجود دارد هرکسی می‌داند که رانندگی اتومبیل کار خطرناکی است و خطر تصادف دارد. وقتی اتومبیل سوارشدن را انتخاب می‌کنیم، آن خطر را می‌پذیریم. اما در ضمن به تخصص از پیش اعلام شده‌ای اتکا داریم که تضمین می‌کند این خطر تا آنجا که ممکن است به حداقل تخفیف یافته است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۴). گیدنز این اتکا و به عبارت دیگر اعتماد به نظام‌های انتزاعی را از ویژگی‌های بارز جامعه مدرن و از عوامل مؤثر تداوم مدرنیته می‌داند. نکته‌ای که باید در این بین به آن اشاره کرد، شدت وابستگی انسان جامعه مدرن به نهادهای تخصصی است، بطوریکه، این اتکا اعتماد در جامعه مدرن اجتناب‌ناپذیر است. تا بدین جا نظریه گیدنز را در رابطه با اعتماد در جامعه مدرن را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد که وی اعتماد را در دو سطح مورد توجه قرار می‌دهد، نخست، روابط میان فردی مبتنی بر پایبندی‌های چهره‌ای که این نوع از اعتماد را با مفهوم بی‌توجهی مدنی توضیح می‌دهد، دوم، اعتماد به نظام‌های انتزاعی که مبتنی بر پایبندی‌های چهره‌ای و بدون چهره‌ای است. که در آن افراد به نهادهای تخصصی چون پلیس، پزشکان، وکلا و ... اتکا می‌کنند. گیدنز با توجه به گستردگی این نهادها و ارتباط اعتماد افراد به این نهادها با ماهیت جامعه مدرن و تداوم این جامعه در بحث خود از اعتماد جایگاه ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته است به گونه‌ای که، زمانی که می‌خواهد از خاستگاه اعتماد در جامعه مدرن سخن بگوید همان‌گونه که برای جامعه پیش از مدرنیسم زمینه‌های اعتماد را تعریف کرده بود، تنها از اعتماد به نظام‌های انتزاعی سخن می‌گوید. با این سؤال که: چرا بیشتر آدم‌ها در بیشتر اوقات به عملکردها و مکانیسم‌هایی اجتماعی اعتماد دارند که هیچ دانش تخصصی درباره آن‌ها ندارند و یا دانش ناچیزی درباره آن‌ها دارند؟ پاسخ به این سؤال در واقع عواملی مؤثر در ایجاد این نوع از اعتماد را در برمی‌گیرد. نخستین پاسخی که گیدنز می‌دهد با اشاره به این نکته است که «مردم در اولین مرحله تحول اجتماعی همواره با اکراه از نهادهای تخصصی استقبال می‌کردند اما به تدریج با این نهادها کنار آمدند، این کنار آمدن و پذیرش این نهادها که توأم با اعتماد و اتکا به آن‌ها در زندگی روزمره است، به گونه‌ای مختلف محصول فرایند «اجتماعی شدن» است. همه ما خوب می‌دانیم که در اولین مرحله تحول جامعه مدرن آدم‌ها چقدر با اکراه با عملکردهای نوین اجتماعی مانند

پیدایش صورت‌های پزشکی تخصصی خودشان را تطبیق می‌دادند. که این خود اهمیت فراگرد اجتماعی شدن را در ارتباط با یک چنین اعتمادی نشان می‌دهد. در اینجا نفوذ «برنامه‌های درسی پنهان» در فراگرد آموزش رسمی، شاید تعیین‌کننده باشد. آنچه در آموزش علم به یک نوآموز انتقال داده می‌شود، تنها محتوای داده‌های فنی نیست، بلکه مهم‌تر از این بحث‌ها گرفت این است که افراد در جامعه مدرن به‌مرور زمان نهادهای تخصصی را می‌پذیرند و به آن‌ها اعتماد می‌کنند از طرف دیگر، نوعی احترام به دانش و تخصص و تکریم دانشمند و متخصص از قبل آموزش علم در بین افراد شکل می‌گیرد که نقش مؤثری در اعتماد به نهادهای تخصصی دارد. اما گیدنز نکته دیگری نیز در این‌بین اشاره کرده است که متفاوت از این احترام و تکریم است و آن، بعد دیگر اعتماد یعنی بدگمانی و شک ورزی است، به این معنی که این احترام توأم با شک و تردید است. گیدنز، این ویژگی را خاصیت هرگونه روابط اعتمادی می‌داند و معتقد است که این بدگمانی محصول نداشتن آگاهی و اطلاعات است. رویکردهای افراد عادی به علم و دانش فنی، معمولاً دوپهلوی است این دوپهلوی در کانون هرگونه روابط اعتماد چه اعتماد به نظام‌های تخصصی و چه اعتماد به افراد، به چشم می‌خورد. تمثال‌های مردم‌پسند علم و مهارت تخصصی معمولاً احترام را آمیخته با رویکردهای دشمنی یا هراس عادی نشان می‌دهند، مانند دانشمندان کلیشه‌ای که به‌صورت تکنسین‌های بد اخلاق و با کمترین تفاهم با مردم عادی نشان داده می‌شوند و یا دانشمندان دیوانه (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۰۷).

برای چارچوب نظری این تحقیق با استفاده از نظریه‌ها و ادبیات مطرح‌شده در مبانی نظری تحقیق سعی شده که یک مدل نظری تلفیقی از همه آن نظریه‌ها مورد توجه واقع شود. با توجه به نظریه‌های مطرح‌شده می‌توان گفت که متغیرهایی مانند طبقه اجتماعی، تحصیلات، رضایت از زندگی و اعتقاد به برابری جنسیتی به‌عنوان شاخصه‌ای کلی که در نظریه‌ها پوتنام، زتومپکا و گیدنز مطرح‌شده‌اند می‌تواند در این تحقیق مورد آزمون قرار گیرد تا صحت نظریه‌های مطرح‌شده سنجیده شوند. همچنین متغیرهای زمینه‌ای مثل جنسیت و سن که تحت تأثیر جامعه‌پذیری مورد اشاره نظریه‌پردازان مطرح‌شده در مبانی نظری هستند نیز مورد آزمون قرار می‌گیرند.

### فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین طبقه اجتماعی افراد و میزان اعتماد نهادی زنان در ایران و ترکیه رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان درآمد افراد و میزان اعتماد نهادی زنان در ایران و ترکیه رابطه وجود دارد.

- ۳- بین میزان تحصیلات افراد و میزان اعتماد نهادی زنان در ایران و ترکیه رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان رضایت از زندگی و میزان اعتماد نهادی زنان در ایران و ترکیه رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میزان اعتقاد به برابری جنسیتی افراد و میزان اعتماد نهادی زنان در ایران و ترکیه رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان سن افراد و میزان اعتماد نهادی زنان در ایران و ترکیه رابطه وجود دارد.

### روش‌شناسی تحقیق

روش مطالعه حاضر از نوع تحلیل ثانویه باشد. در این شکل از تحلیل از داده‌های گردآوری شده در پیمایش اصلی برای مطالعه موضوعی غیر از موضوع اصلی است استفاده می‌شود. به عبارتی از داده‌هایی که مؤسسات یا محققان دیگری گردآورده‌اند می‌توان به اقتضای مسئله سود جست. این مقاله نیز به همین منوال از همین مسئله بهره برده است. بنابراین در تحقیق حاضر داده‌های مورداستفاده برای آزمون فرضیات تحقیق از مجموعه داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها (WVS) موج پیمایش سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ بهره گرفته شده است. پیمایش ارزش‌های جهانی پژوهشی در مقیاس جهانی است که اطلاعاتی درباره دگرگونی‌های اجتماعی فرهنگی و سیاسی جوامع مختلف از جمله ایران و ترکیه ارائه می‌دهد. داده‌های این تحقیق در سایت همگانی آن در دسترس همگان است. همچنین داده‌های توصیفی که عمدتاً در بخش بحث و نتیجه مورداستفاده قرار گرفته‌اند از سایت مرکز آمار ایران به نشانی اینترنتی [amar.ir](http://amar.ir) استخراج و مورداستفاده قرار گرفته‌اند.

### تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

#### اعتماد نهادی

تعریف نظری: نشان‌دهنده میزان اعتماد به نهادها احزاب و سازمان‌ها و مسئولان اداره کشور است.

تعریف عملیاتی: با استفاده از ۱۶ گویه زیر و با طیف لیکرت سنجیده شده است.

به هر یک از سازمان‌های زیر تا چه حد اطمینان دارید.

مساجد، نیروهای مسلح، مطبوعات، تلویزیون، اتحادیه‌های کارگری، نیروی انتظامی، دادگاه‌ها، دولت، احزاب سیاسی، مجلس، ادارات دولتی، شرکت‌های بزرگ، سازمان حفاظت از محیط زیست، سازمان‌های زنان، سازمان‌های خیریه، سازمان ملل.

### طبقه اجتماعی

**تعریف نظری:** طبقه اجتماعی را می‌توان شامل همه افرادی که دارای پایگاه اجتماعی کمابیش یکسان بوده و از نظر برخورداری از عوامل باارزش اجتماعی شرایط مشابهی دارند تعریف نمود. طبقه ذهنی: جهت سنجش طبقه اجتماعی ذهنی از یک گویه با همین هدف استفاده شده است.

مردم گاهی اوقات خود را عضو طبقه کارگر، طبقه متوسط، طبقه بالا یا پایین می‌دانند. شما خود را عضو کدام طبقه می‌دانید.

۱- طبقه بالا ۲- طبقه متوسط بالا ۳- طبقه متوسط پایین ۴- طبقه پایین

سن: با گویه شما الآن چند سال دارید سنجیده شده است.

**درآمد:** شما در کجای مقیاس درآمدی قرار می‌گیرید؟ نیز سطح درآمد را مورد سنجش قرار داده است.

**تحصیلات:** با گویه بالاترین سطح تحصیلات شما چیست؟ مورد سنجش واقع گردیده است.

### اعتقاد به برابری جنسیتی

**تعریف نظری:** برابری جنسیتی بدان معنا است که زن و مرد حقوق و وظایف یکسان دارند، و همه از فرصت‌های مساوی در جامعه برخوردار هستند. همچنین برابری جنسی مربوط به عدالت و تقسیم مسئولیت‌ها است، هم در جامعه و هم در خانواده. اگر جنسیت مانع از آن شود که ما بتوانیم نقاط قوت و ضعف فرد را ببینیم، این امر می‌تواند به تبعیض و فرصت‌های محدود برای فرد منجر شود. همچنین برابری جنسی به باوری فمینیستی گفته می‌شود که هدفش عموماً حذف نابرابری‌های جنسیتی، مردسالاری و جنسیت‌گرایی است. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد برابری جنسیتی را نخستین حق انسانی خوانده است (<https://fa.wikipedia.org>).

**تعریف عملیاتی:** اعتقاد به برابری جنسیتی زنان و مردان را در دو کشور ایران و ترکیه با سه گویه تحصیلات برای پسران نسبت به دختران مهم‌تر است و برتر بودن مردان نسبت به زنان از نظر رهبری سیاسی و درنهایت با گویه اشتغال برای پسران مهم‌تر از دختران است سنجیده شده‌اند.

## رضایت از زندگی

**تعریف نظری:** در میان تعاریف فراوانی که برای مفهوم رضایت از زندگی ارائه شده تعریف مکینتاش به نظر مناسب تر می رسد: رضایت از زندگی رضایت کلی فرد از زندگی اش است. (مکینتاش، ۲۰۰۱: ۳۷)

**تعریف عملیاتی:** رضایت از زندگی با یک گویه سنجیده شده است.

تا چه حد از زندگی خود راضی هستید؟

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
کاملاً راضی					کاملاً ناراضی				

## یافته‌های تحقیق

### نتایج توصیفی

از مجموع ۱۹۸۱ نفر نمونه در دو کشور ایران و ترکیه. ایران با ۱۳۱۶ نفر (۶۶/۳ درصد) و ترکیه با ۶۷۰ نفر (۳۳/۷ درصد) به ترتیب بیشترین حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. ۳۰ درصد از زنان نمونه ترکیه در طبقه اجتماعی پایین قرار دارند و ۲۸ درصد نیز دارای طبقه اجتماعی بالا هستند. در ایران ۴۲ درصد زنان در طبقه اجتماعی پایین قرار دارند و تنها ۱۵ درصد دارای طبقه اجتماعی بالایی هستند. از نظر تحصیلات ۱۶ درصد از زنان نمونه ترکیه دارای تحصیلات ابتدایی و پایینی هستند و ۳۲ درصد نمونه نیز میزان تحصیلات را بالا گزارش داده‌اند. در ایران نیز ۱۵ درصد زنان تحصیلات پایین و ۲۸ درصد نیز میزان تحصیلات خود را بالا گزارش داده‌اند.

### نتایج توصیفی متغیر وابسته (اعتماد نهادی)

جدول زیر فراوانی گویه‌های متغیر اعتماد نهادی برای زنان ترکیه و ایران را نشان می‌دهد.

ردیف	گویه	بسیار زیاد	زیاد	کم	اصلاً
۱	مساجد	۲۷/۴	۲۱/۸	۲۱/۳	۸/۵
۲	نیروهای مسلح	۶۶/۰	۲۲/۲	۷/۳	۴/۶
۳	مطبوعات	۴/۸	۲۸/۸	۴۰/۶	۲۵/۹
۴	تلویزیون	۶/۲	۳۰/۲	۴۱/۵	۲۲/۲
۵	اتحادیه کارگری	۸/۲	۳۵/۸	۳۶/۷	۱۹/۳
۶	نیروی انتظامی	۳۹/۵	۳۶/۹	۱۳/۸	۹/۷

ردیف	گویه	بسیار زیاد	زیاد	کم	اصلاً
۷	دادگاه	۴۰/۱	۳۸/۴	۱۴/۶	۶/۹
۸	دولت	۳۰/۰	۳۶/۵	۲۰/۶	۱۳/۰
۹	احزاب سیاسی	۶/۲	۲۷/۲	۴۱/۶	۲۵/۰
۱۰	مجلس	۲۱/۶	۴۰/۳	۲۴/۱	۱۴/۱
۱۱	ادارات دولتی	۱۰/۸	۴۷/۹	۲۷/۷	۱۳/۷
۱۲	شرکت‌های بزرگ	۷/۹	۴۲/۶	۳۳/۷	۱۵/۸
۱۳	سازمان محیط زیست	۱۱/۳	۴۶/۵	۲۷/۵	۱۴/۷
۱۴	سازمان زنان	۲۰/۵	۴۶/۹	۲۳/۳	۹/۳
۱۵	سازمان خیریه	۲۲/۰	۴۴/۷	۲۱/۵	۱۱/۸
۱۶	سازمان ملل	۸/۵	۲۳/۳	۳۱/۹	۳۶/۲

جدول فوق نتایج توصیفی متغیر اعتماد نهادی زنان ترکیه را به تفکیک گویه‌ها نشان می‌دهد. همان‌گونه که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، بیشترین بی‌اعتمادی زنان در ترکیه به سازمان ملل، مطبوعات، تلویزیون و احزاب سیاسی است و نهادهای نیروی انتظامی، نیروهای مسلح و مساجد، نهادهایی هستند که در کشور ترکیه زنان به آن‌ها بیشترین اعتماد را در مقایسه با سایر نهادهای ذکر شده در جدول دارند.

ردیف	گویه	بسیار زیاد	زیاد	کم	اصلاً
۱	مساجد	۴۷/۷	۳۱/۵	۱۹/۰	۱/۸
۲	نیروهای مسلح	۲۳/۴	۳۵/۰	۳۸/۵	۳/۱
۳	مطبوعات	۹/۷	۲۰/۰	۶۵/۸	۴/۵
۴	تلویزیون	۱۶/۲	۳۲/۳	۴۸/۱	۳/۴
۵	اتحادیه کارگری	۷/۹	۱۸/۶	۶۲/۲	۴/۳
۶	نیروی انتظامی	۲۴/۱	۳۵/۸	۳۵/۶	۴/۵
۷	دادگاه	۱۷/۱	۲۷/۵	۴۹/۳	۶/۲
۸	دولت	۱۸/۸	۳۲/۸	۴۳/۹	۴/۵
۹	احزاب سیاسی	۷/۶	۱۶/۷	۶۳/۶	۱۲/۰
۱۰	مجلس	۱۳/۸	۲۸/۶	۵۲/۱	۵/۶
۱۱	ادارات دولتی	۱۰/۱	۲۲/۳	۶۰/۰	۷/۵

ردیف	گویه	بسیار زیاد	زیاد	کم	اصلاً
۱۲	شرکت‌های بزرگ	۶/۴	۱۴/۳	۷۰/۷	۸/۶
۱۳	سازمان محیط زیست	۱۳/۶	۳۱/۰	۵۱/۸	۳/۷
۱۴	سازمان زنان	۱۴/۴	۲۸/۲	۵۱/۸	۵/۶
۱۵	سازمان خیریه	۲۱/۶	۳۶/۷	۳۷/۷	۴/۰
۱۶	سازمان ملل	۱۶/۹	۲۳/۲	۵۱/۵	۸/۴

جدول فوق نتایج توصیفی متغیر اعتماد نهادی زنان ایران را به تفکیک گویه‌ها نشان می‌دهد. همان‌گونه که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، بیشترین بی‌اعتمادی زنان در ایران به مطبوعات، شرکت‌های بزرگ، اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی است و نهادهای نیروی انتظامی، نیروهای مسلح و مساجد، نهادهایی هستند که همانند کشور ترکیه، در ایران زنان به آن‌ها بیشترین اعتماد را در مقایسه با سایر نهادهای ذکر شده در جدول دارند.

کشور	میزان اعتماد نهادی زنان	درصد
ایران	بالا	۱۸/۷ درصد
	متوسط	۷۴/۰ درصد
	پایین	۷/۳ درصد
ترکیه	بالا	۲۲/۸ درصد
	متوسط	۶۵/۹ درصد
	پایین	۱۱/۳ درصد

جدول فوق که از ترکیب گویه‌های متغیر اعتماد نهادی به دست آمده است، میزان اعتماد نهادی زنان در کشور ایران و ترکیه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ۱۸/۷ درصد از زنان ایرانی میزان اعتماد نهادی بالایی را گزارش داده‌اند و ۷/۳ درصد نیز دارای اعتماد نهادی پایینی هستند. در کشور ترکیه ۲۲/۸ درصد از زنان دارای اعتماد نهادی بالایی هستند و ۱۱/۳ درصد نیز گزارش داده‌اند که میزان اعتماد نهادی در آن‌ها پایین است.



### توصیف متغیرهای مستقل متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی

کشور	گویه	کاملاً موافق	موافق	مخالف	کاملاً مخالف
ایران	مردان رهبران سیاسی بهتری هستند.	۱۷/۷	۵۴/۲	۲۰/۹	۷/۲
	تحصیلات برای پسران مهم‌تر است.	۹/۷	۳۷/۲	۳۴/۶	۱۸/۴
	مردان نسبت به زنان حق بیشتری برای اشتغال دارند.	۱۵/۲	۵۶/۴	۲۰/۶	۷/۸
ترکیه	مردان رهبران سیاسی بهتری هستند.	۱۴/۲	۴۰/۹	۳۲/۳	۱۲/۶
	تحصیلات برای پسران مهم‌تر است.	۴/۸	۱۱/۸	۲۹/۲	۵۴/۱
	مردان نسبت به زنان حق بیشتری برای اشتغال دارند.	۸/۸	۳۷/۷	۳۵/۲	۱۸/۳

جدول فوق فراوانی پاسخگویان به گویه های متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی زنان را در دو کشور ایران و ترکیه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود موافقت زنان (جمع کاملاً موافق و موافق) با گویه برتر بودن مردان نسبت به زنان از نظر رهبری سیاسی ۷۱/۹ درصد است. یعنی ۷۱/۹ درصد موافق‌اند که مردان رهبر سیاسی بهتری نسبت به زنان هستند. در صورتی که زنان ترکیه ۶۱/۱ درصد با این گویه موافق بوده‌اند. در ایران زنان ۴۶/۹ درصد موافق‌اند که تحصیلات برای پسران مهم‌تر است در حالی که تنها ۱۶/۶ درصد از زنان ترکیه موافق‌اند که تحصیلات برای پسر مهم‌تر از دختر است. و در آخر ۷۱/۶ درصد زنان ایران معتقدند مردان نسبت به زنان حق اشتغال بیشتری دارند. این در حالی است که زنان ترکیه ۴۶/۵ درصد موافق این گویه هستند.

### متغیر احساس رضایت از زندگی زنان

کشور	احساس رضایت از زندگی	درصد
ایران	بالا	۱۹/۹ درصد
	متوسط	۶۳/۸ درصد
	پایین	۱۶/۴ درصد
ترکیه	بالا	۴۰/۴ درصد
	متوسط	۴۵/۶ درصد
	پایین	۱۴ درصد

داده‌های جدول فوق میزان رضایت از زندگی زنان را در دو کشور ایران و ترکیه نشان می‌دهد. داده‌های جدول فوق حاکی از آن است که تنها ۱۹/۹ درصد از زنان ایران رضایت

زندگی بالایی دارند درحالی که درصد زنانی که در ترکیه رضایت از زندگی بالایی دارند ۴۰/۴ درصد است. ۱۶/۴ درصد زنان ایرانی و ۱۴ درصد از زنان ترکیه‌ای نیز گزارش داده‌اند که رضایت از زندگی در آن‌ها پایین است.

### تحلیل رگرسیون چند متغیره<sup>۱</sup> اعتماد نهادی زنان در ترکیه

به منظور شناسایی مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی کننده میزان اعتماد نهادی، تحلیل رگرسیون چند متغیره اثرات متغیرهای مستقل به عمل آمد که نتایج آن در جدول زیر به نمایش گذاشته شده است.

همبستگی چندگانه (R)	مجدور همبستگی چندگانه (R-square)	مجدور همبستگی چندگانه تصحیح شده (Adjusted R-square)	آنالیز واریانس (F)	سطح معناداری (Sig.)
۰/۲۵۶	۰/۰۶۶	۰/۰۵۳	۵/۲۰۲	۰/۰۰۰

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه (R) معادل ۰/۲۵۶ بوده است که بیانگر این مطلب است که متغیرهای شش‌گانه سن، درآمد، تحصیلات، طبقه اجتماعی ذهنی، احساس رضایت از زندگی و اعتقاد به برابری جنسیتی به‌طور هم‌زمان به مقدار ۰/۲۵۶ با اعتماد نهادی، همبستگی داشته‌اند. ضریب تعیین ( $R^2$ ) معادل ۰/۰۶۶ است که نشان می‌دهد ۰/۰۶۶ درصد از نوسانات اعتماد نهادی، از طریق این شش متغیر قابل تبیین و پیش‌بینی است. همچنین، نتیجه آزمون F مشاهده شده نشان می‌دهد که همبستگی کشف شده، در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار است. جهت کشف شدت و جهت تأثیرات هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی میزان اعتماد نهادی، جدول شماره زیر ترسیم شده است.

متغیرهای مستقل	ضریب تأثیر غیراستاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد (Beta)	مقدار آزمون تی (T-value)	سطح معناداری (Sig.)
اعتقاد به برابری جنسیتی	-۰/۵۲۸	-۰/۱۳۲	-۲/۷۴	۰/۰۰۶
احساس رضایت از زندگی	۰/۹۶	۰/۰۹۴	۲/۰۲	۰/۰۴۴

متغیرهای مستقل	ضریب تأثیر غیراستاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد (Beta)	مقدار آزمون تی T-value	سطح معناداری (Sig.)
سن	۰/۰۳۸	۰/۰۵۷	۱/۱۷	۰/۲۴۰
تحصیلات	۰/۴۳۵	۰/۱۳۴	۲/۲۴	۰/۰۲۵
سطح درآمد	۰/۱۹۰	۰/۰۵۸	۱/۰۱	۰/۳۱۲
طبقه اجتماعی ذهنی	۰/۶۴۷	۰/۰۷	۱/۵۴	۰/۱۲۴

یافته‌های جدول نشان می‌دهد که از بین شش متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی، اثرات سه متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی، تحصیلات و احساس رضایت از زندگی بر اعتماد نهادی به لحاظ آماری معنادار بوده است. با مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد بتا، مشخص می‌شود که در بین تمامی متغیرهای مستقل، متغیر تحصیلات با ضریب تأثیری معادل ۰/۱۳ قرار گرفته است که حاکی از آن است که تحصیلات زنان افزایش پیدا کرده، میزان اعتماد نهادی نیز در این افراد افزایش یافته است. دومین متغیر مستقلی که تأثیر معناداری بر اعتماد نهادی دارد، متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی است. ضریب تأثیر این متغیر (۰/۱۳۲-) است. تأثیر این متغیر معکوس است. یعنی افرادی که به برابری جنسیتی اعتقاد داشتند، اعتماد کمتری به نهادهای جامعه داشته‌اند. متغیر سومی که بیشترین تأثیر را دارد متغیر احساس رضایت از زندگی با ضریب تأثیر رگرسیونی (Beta = ۰/۱۰) است. یعنی زنانی که احساس شادمانی و رضایت از زندگی بیشتری داشتند، میزان اعتماد آن‌ها به نهادهای کشور نیز افزایش یافته است.

#### تحلیل رگرسیون چند متغیره<sup>۱</sup> اعتماد نهادی زنان در ایران

به منظور شناسایی مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی کننده میزان اعتماد نهادی، تحلیل رگرسیون چند متغیره اثرات متغیرهای مستقل به عمل آمد که نتایج آن در جدول زیر به نمایش گذاشته شده است.

#### خلاصه مدل چند متغیره اعتماد نهادی زنان (ایران)

همبستگی چندگانه (R)	مجدور همبستگی چندگانه (R-square)	مجدور همبستگی چندگانه تصحیح شده (Adjusted R-square)	آنالیز واریانس (F)	سطح معناداری (Sig.)
۰/۳۳۸	۰/۱۱۴	۰/۱۰۹	۲۱/۶۷	۰/۰۰۰

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه ( $R$ ) معادل  $0/338$  بوده است که بیانگر این مطلب است که متغیرهای شش‌گانه سن، درآمد، تحصیلات، طبقه اجتماعی ذهنی، احساس رضایت از زندگی و اعتقاد به برابری جنسیتی به‌طور هم‌زمان به مقدار  $0/338$  با اعتماد نهادی، همبستگی داشته‌اند. ضریب تعیین ( $R^2$ ) معادل  $0/114$  است که نشان می‌دهد  $11/4$  درصد از نوسانات اعتماد نهادی، از طریق این شش متغیر قابل تبیین و پیش‌بینی است. همچنین، نتیجه آزمون  $F$  مشاهده شده نشان می‌دهد که همبستگی کشف شده، در سطح  $0/99$  معنی‌دار است. جهت کشف شدت و جهت تأثیرات هریک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی میزان اعتماد نهادی، جدول شماره هفت ترسیم شده است.

#### ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده متغیر اعتماد نهادی زنان (ایران)

متغیرهای مستقل	ضریب تأثیر غیراستاندارد ( $B$ )	ضریب تأثیر استاندارد ( $Beta$ )	مقدار آزمون $T$ -value تی	سطح معناداری ( $Sig.$ )
اعتقاد به برابری جنسیتی	$-0/376$	$-0/090$	$-2/96$	$0/003$
احساس رضایت از زندگی	$1/34$	$0/11$	$3/60$	$0/000$
سن	$0/062$	$0/085$	$2/62$	$0/009$
تحصیلات	$1/04$	$0/319$	$9/28$	$0/000$
سطح درآمد	$-0/015$	$-0/003$	$-0/92$	$0/927$
طبقه اجتماعی ذهنی	$0/074$	$0/008$	$0/219$	$0/826$

یافته‌های جدول نشان می‌دهد که از بین شش متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی، اثرات چهار متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی، تحصیلات، سن و احساس رضایت از زندگی بر اعتماد نهادی به لحاظ آماری معنادار بوده است. با مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد بتا، مشخص می‌شود که در بین تمامی متغیرهای مستقل، متغیر تحصیلات با ضریب تأثیری معادل  $0/31$  قرار گرفته است که حاکی از آن است که تحصیلات زنان افزایش پیدا کرده، میزان اعتماد نهادی نیز در این افراد افزایش یافته است. دومین متغیر مستقلی که تأثیر معناداری بر اعتماد نهادی دارد، متغیر احساس رضایت از زندگی با ضریب تأثیر رگرسیونی ( $Beta = 0/11$ ) است. یعنی

زنانی که احساس شادمانی و رضایت از زندگی بیشتری داشتند، میزان اعتماد آن‌ها به نهادهای کشور نیز افزایش یافته است. سومین متغیر که بیشترین تأثیر را بر اعتماد نهادی زنان دارد متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی است. ضریب تأثیر این متغیر (۰/۰۹-) است. تأثیر این متغیر معکوس است. یعنی افرادی که به برابری جنسیتی اعتقاد داشتند، اعتماد کمتری به نهادهای جامعه داشته‌اند در مرحله بعدی متغیر سن (۰/۰۸) قرار دارد. یعنی به ازای افزایش سن زنان میزان اعتماد آن‌ها به نهادهای جامعه افزایش می‌یابد.

### بحث و نتیجه

یکی از شاخصه‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور وضعیت زنان و نوع مشارکت آنان در جامعه است. بنابراین نحوه برخورد و رفتار جامعه با زنان از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی و اجتماعی در یک کشور است. همین نحوه برخورد است که شرایط را برای حضور فعال و مشارکت مؤثر زنان فراهم و سبب می‌شود تا زمینه برای مشارکت بیشتر زنان و بهره‌گیری جدی‌تر از قدرت، تفکر، ابداع، و خلاقیت آن‌ها فراهم شود. اعتماد پیش شرط حضور و مشارکت زنان در جامعه است. اعتماد زنان به نهادها، مسئولان و سازمان‌ها (اعتماد نهادی) تسهیل‌کننده حضور آنان در جامعه است. نقش و حضور زنان در دگرگونی نهادهای جامعه چون خانواده، اقتصاد سیاست و... نشان‌دهنده پتانسیل بالای این بخش از جامعه است. در جوامع در حال گذار حضور زنان در جامعه به مراتب مشکل‌تر از زنان جوامع مدرن است. جایگاه و شخصیت زن در اذهان و باورهای عمومی هر جامعه، نشان‌دهنده میزان اهمیت و منزلت زنان در آن جامعه است. به طوری که تصویری را که فرهنگ عمومی یک ملت از زن ارائه می‌دهد، در واقع نگرش و دیدگاه مردم آن جامعه به زن است و این تصویر را در برخوردها، آداب و رسوم، سنت‌ها، ادبیات و ارزش‌های شایع و... آن ملت می‌توان ارزیابی نمود. این حضور در جوامع در حال گذار نیز که در گردونه ارزش‌ها هنجارهای سنتی و مدرن قرار دارند سخت‌تر است.

### وضعیت زنان در جامعه ایران

جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ مواجه با جنگ ۸ ساله با کشور عراق شد. پس از جنگ نیز در پی بازسازی ویرانی‌های ناشی از آن دوران سازندگی را آغاز نمود. جامعه ایران تاکنون شاهد فراز و فرودهای زیادی بوده و نقش و حضور زنان نیز به‌عنوان یک بخش از این جامعه متأثر از همین نوسانات بوده‌اند.

بدون شک شکوفایی علمی و اقتصادی عامل مؤثری در پویایی و توسعه همه‌جانبه جامعه است و از آنجاکه زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، لذا می‌توانند نقش مؤثری در شکوفایی علمی و اقتصادی آن داشته باشند. جامعه ایران یک جامعه اسلامی در حال گذار است و حضور زنان می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در این روند گذار داشته باشد. حضور فعالانه و تأثیرگذار زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و ارتقای سطح سواد و آگاهی‌های اجتماعی، نمایانگر بخشی از حضور چشمگیر زنان در عرصه اجتماع است. توسعه دانش و تخصص در بین زنان، اقبال روزافزون دختران به تحصیلات عالی، تکمیلی و حوزوی - به‌طوری‌که در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد ظرفیت دانشگاه‌ها را دختران و زنان تشکیل می‌دهند- نیز بخشی از حضور زنان در جامعه اسلامی است. حضور زنان در جامعه همان‌گونه که در یافته‌های تحقیق حاضر دیده می‌شود مستلزم وجود اعتماد نهادی در جامعه است، به‌گونه‌ای که این حضور را می‌توان در عرصه‌های مختلف به‌وضوح دید. در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا از ۱۳۷۵ نفر زن در دور اول به ۶۰۹۶ نفر در دور دوم رسیده است. تعداد نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی از دو نفر در دور اول به ۱۷ نفر در دور دهم رسید. طبق آخرین برآوردها در سال ۱۳۹۲ جمعیت کشور ۷۶۹۴۲۰۰۰ نفر بوده که از این تعداد ۵۰/۴ درصد مرد و ۴۹/۶ درصد زن می‌باشند. بر اساس آخرین برآوردها از وضعیت اشتغال سهم بیکاری زنان ۱۹/۸ بوده است. تحصیلات زنان در ایران، به‌مرور و با پذیرش فرهنگی جامعه مبنی بر تحصیل دختران، همواره روندی رو به رشد داشته است بر اساس سرشماری‌های نفوس و مسکن ۱۳۵۵ و ۶۵ و ۷۵ و ۸۵ و ۱۳۹۰ میزان باسوادی زنان به ترتیب ۳۵/۵ و ۵۲/۱ و ۷۴/۲ و ۸۰/۳ و ۸۱/۱ درصد بوده است. شمار مجموع دانشجویان زن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی که در سال ۷۵ - ۷۶ به ۴۵۹۷۵۹ نفر بود، در سال ۱۳۹۲ این تعداد به ۲۲۵۳۷۲۴ نفر در کل کشور رسیده است.

### جمع‌بندی

بر اساس سالنامه‌های آماری سازمان ملل که در سایت مرکز آمار ایران نیز آمده است شاخصه‌ای جهانی توسعه انسانی در سال ۲۰۱۳ ایران ترکیه در جدول زیر ذکر شده است.

کشور	امید به زندگی در بدو تولد ۲۰۱۳	میانگین سال‌های تحصیل ۲۰۱۲	سال‌های مورد انتظار تحصیل ۲۰۱۲	سرانه درآمد ناخالص ملی ۲۰۱۳	رتبه توسعه ۲۰۱۳
ایران	۷۴	۷/۸	۱۵/۲	۱۳۴۵۱	۷۵
ترکیه	۷۵/۳	۷/۶	۱۴/۴	۱۸۳۹۱	۶۹

ترکیه اگرچه همسایه ایران است و دارای اشتراکات تاریخی فراوانی با ایران است اما مقایسه ایران و ترکیه کار ساده‌ای نیست. هرچند به صورت موردی می‌توان این مقایسه را به عمل آورد. ترکیه پس از جنگ اول جهانی شروع به تغییرات فراوانی کرد. در این کشور غلبه دین در بسیاری از بخش‌ها کم شد. قانون اساسی این کشور بر اساس لایتیسه شکل پذیرفت و نظام پارلمانی در این کشور حاکم گشت. دادگاه‌های دینی جای خود را به دادگاه‌های مدنی داده و رسم‌الخط این کشور از عربی به لاتین با پاره‌ای اختلافات تغییر کرد. ترکیه در سال‌های اخیر رشد اقتصادی خوبی را تجربه نموده است. در ترکیه حضور زنان در عرصه عمومی جامعه با فراز و نشیب‌هایی نیز روبه‌رو بوده است. زنان این کشور علی‌رغم اکثریت جمعیت مسلمان دارای محدودیت‌هایی از لحاظ استفاده از حجاب اسلامی در جامعه و بخصوص در نهادهای قانونی بوده‌اند. با این همه وضعیت ترکیه از نظر شاخص توسعه انسانی از ایران بهتر است و میزان امید به زندگی نیز در این کشور بالاتر است.

علی‌رغم این موارد در خصوص نهادهای مورد اعتماد در مقایسه تطبیقی ایران با ترکیه نیروی انتظامی، نیروهای مسلح و مساجد، نهادهایی هستند که همانند کشور ترکیه، در ایران زنان به آن‌ها بیشترین اعتماد را در مقایسه با سایر نهادهای ذکر شده دارند. در مقایسه با کشور ترکیه اعتماد نهادی در میان زنان ایرانی با نوسان کمتر میان سطوح بالا و پایین، بیشتر در سطح متوسط قرار دارد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره<sup>۱</sup> اعتماد نهادی زنان در ترکیه نشان می‌دهد که از بین شش متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی، اثرات سه متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی، تحصیلات و احساس رضایت از زندگی بر اعتماد نهادی به لحاظ آماری معنادار بوده است. در بین تمامی متغیرهای مستقل، متغیر تحصیلات با ضریب تأثیری معادل ۰/۱۳ قرار گرفته است که حاکی از آن است که تحصیلات زنان افزایش پیدا کرده، میزان اعتماد نهادی نیز در این افراد افزایش یافته است. دومین متغیر مستقلی که تأثیر معناداری بر اعتماد نهادی دارد، متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی است. ضریب تأثیر این متغیر (۰/۱۳۲-) است. تأثیر این متغیر معکوس است. یعنی افرادی که به برابری جنسیتی اعتقاد داشتند، اعتماد کمتری به نهادهای جامعه داشته‌اند. متغیر سومی که بیشترین تأثیر را دارد متغیر احساس رضایت از زندگی با ضریب تأثیر رگرسیونی (۰/۱۰) است. یعنی زنانی که احساس شادمانی و رضایت از زندگی بیشتری داشتند، میزان اعتماد آن‌ها به نهادهای کشور نیز افزایش یافته است.

همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره<sup>۱</sup> اعتماد نهادی زنان در ایران نشان می‌دهد که از بین شش متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی، اثرات چهار متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی، تحصیلات، سن و احساس رضایت از زندگی بر اعتماد نهادی به لحاظ آماری معنادار بوده است. با مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد بنا، مشخص می‌شود که در بین تمامی متغیرهای مستقل، متغیر تحصیلات با ضریب تأثیری معادل ۰/۳۱ قرار گرفته است که حاکی از آن است که تحصیلات زنان افزایش پیدا کرده، میزان اعتماد نهادی نیز در این افراد افزایش یافته است. دومین متغیر مستقلی که تأثیر معناداری بر اعتماد نهادی دارد، متغیر احساس رضایت از زندگی با ضریب تأثیر رگرسیونی (۰/۱۱) است. یعنی زنانی که احساس شادمانی و رضایت از زندگی بیشتری داشتند، میزان اعتماد آن‌ها به نهادهای کشور نیز افزایش یافته است. سومین متغیر که بیشترین تأثیر را بر اعتماد نهادی زنان دارد متغیر اعتقاد به برابری جنسیتی با ضریب تأثیر (۰/۰۹-) است که تأثیر این متغیر معکوس است. یعنی افرادی که به برابری جنسیتی اعتقاد داشتند، اعتماد کمتری به نهادهای جامعه داشته‌اند در مرحله بعدی متغیر سن (۰/۰۸) قرار دارد. یعنی به ازای افزایش سن زنان میزان اعتماد آن‌ها به نهادهای جامعه افزایش می‌یابد. شباهت در نتایج به دست آمده نشان دهنده وجود اشتراکات فرهنگی فراوان در میزان اعتماد نهادی میان زنان در دو کشور ایران و ترکیه است. به زعم زتومکا شدت بالای همبستگی اعتماد را بالا می‌برد در جامعه ایران نیز که فرایند انقلاب را پشت سر نهاده و سپس وارد جنگ با دشمن شد میزان همبستگی به طرز چشمگیری افزایش یافت و متعاقب آن اعتماد به برخی نهادها همچون مسجد، پلیس و ... که در یافته‌ها نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند در سطح بالایی قرار گرفتند. پوتنام در بحث از سرمایه اجتماعی بیان می‌کند که اعتماد در گروه مدنی، دینی، پیوند خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و خویشاوندان و هنجار عمل متقابل نهفته است. گیدنز اعتماد را در دو سطح مورد توجه قرار می‌دهد، نخست، روابط میان فردی مبنی بر پایبندی‌های چهره‌ای که این نوع از اعتماد را با مفهوم بی‌توجهی مدنی توضیح می‌دهد، دوم، اعتماد به نظام‌های انتزاعی که مبتنی بر پایبندی‌های چهره‌ای و بدون چهره‌ای است. که در آن افراد به نهادهای تخصصی چون پلیس، پزشکان، وکلا و... اتکا می‌کنند. وضعیت اعتماد به نهادهایی نیز که ما در بحث موردسنجش قرار داده‌ایم تا به جمع‌بندی لازم در خصوص اعتماد نهادی دست‌یابیم گویای این واقعیت‌اند که اعتماد زنان به نهادها در ایران و ترکیه جایگاه بالایی دارد. و زنان در این دو جامعه از وضعیت اعتماد نهادی خوبی برخوردارند.



## منابع

- اونامونو، میگل. ۱۳۷۰، درد جاودانگی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ دوم، تهران، انتشارات البرز.
- عمید، حسن، ۱۳۷۴، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- کافی، امیرمهدی، ۱۳۸۰، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه نمایه پژوهش. شماره ۱۸، تهران، موسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موققیان، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷، پیامدهای مدرنیت، ترجمه. محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- Allport, Gordon w1961. Patten and Growth in personality. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Deihey, jan 2003. lebensbedingungen and wohlbefinden in europa. In statistisches Bundesmat(ed) Datenreport, Bundeszentrale fur politicsche.bildung:bonn.
- Mcintosh, Cameron N (2001) "Report On The Construct Validity Of the TemporalSatisfaction With Life Scale". Social Indicators Research, vol 54.
- Misztal, Barbara A. 1997. Trust in modern societies. Oxford: Blackwell.
- Misztal, Barbara. (1996) "Trust in Modern Societies" Cambridge Polity Press.
- Newton, Kenneth. 2002. Social Trust and political Disaffection social capital and Democracy. EURSCO conference on social capital: Exeter.
- Norris, pippa. (2002) "Social Capital and ICT's: widening and Reinforcing Social Networks?" Presented at "International Forum on Social Capital foc Economic Revival" Held by Economic and Scial Research Institute, Cabinet Office, Japan, Tokyp.
- Sztompka, P. (1999). Trust: A sociological theory. Cambridge: Cambridge University Press.
- Putnam, Robert. 2000. Bowling Alone: The callapse and Reviveal of American community. New York; simon and Schuster.
- Rose, Trent, M. (2006) Measuring civic engagement in idaha falls (Dissertation), Idaho state university.
- Uslaner. Erich M. 2000. producting and consuming Trust. Political science Quaterly 115(4).
- Uslaner, Eric. M. 91998) "Social Capital, Television, and the "Mean World": Trust, Optimism, and Civic Participation" Political Psychology., vol; 19 No, 3
- Whiteley, paulm. F. 1999. The origins of social capital, in jan van deth. Marco Maraffi. Ken Newto an paul Whiteley (eds) social capital and European democracy. London: routledge.
- <https://fa.wikipedia.org>.